

می‌کند. رسول گرامی اسلام هم غایت بعثت خود را اتمام مکارم اخلاق معرفی می‌کند. پس در این وادی اخلاق هنری و معماری به مراتب مهم تر از عمل هنری و معماری (به معنای صنفی و رایج آن) است. هنر دینی - به مفهوم اعم کلمه - هر هنری است که در مسیر اخلاق باشد - و به مفهوم اخص کلمه - هر هنری است که از دستورات دین استفاده کند و بکوشد تا زیبایی‌های کثیر را تبدیل به زیبایی واحد نماید و عناصر متکثر را به حقیقت واحد سوق دهد.

هنردینی به اعتبار دینی بودن، درونگراست. درونگرایی یکی از ویژگی‌هایی است که درجه اهمیت به باطن را در مقابل توجه به ظاهر متجلی می‌سازد و در واقع تأکیدی بر عالم غیب و تفسیری بر یکی از صفات الهی (باطن) است که در زندگی فرد مسلمان نقش دارد [۱۵]. چنین تأکیدی در بسیاری از احادیث مشهود است. مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تفسیر سوره بقره می‌فرماید:

"حقیقت همه عبادات بدنی مجسم کردن حالات قلبی و توجهات باطنی است و به وسیله آنها حقایقی که بسی برتر و بالاتر از عالم ماده و جسمانیات است در صورت جسمانی جلوه می‌کند؛ چنانکه امر نماز و روزه و حج و سایر عبادات و اجزا و شرایط آن بدین منوال است."^۱

اعمال فیزیکی عبادات، احساسی درونی و باطنی را ایجاد می‌کنند که باعث بروز و رشد معنویات در عبادتگر می‌شود. کعبه که مسلمانان روزی پنج بار به سوی آن به نماز می‌ایستند خالی است. خالی بودن آن تمثیلی از نبود مادیات در برابر معنویات (به مثابه مقصد نهایی) است. در نماز این مرکز است که مجسم می‌شود؛ مرکزی که غایب و غیر دیدنی است. درونگرایی به عنوان یک رکن اساسی در همه ابعاد زندگی مسلمانان دیده می‌شود. هنردینی بر درون گرایی تأکید دارد و می

۱- محمد حسین طباطبایی، "تفسیر المیزان" ج ۵

کوشد تا انسان را در وسعتِ درون به کاوش در ابعاد روحانی خود فراخواند. نگاه دینی باید ما را به حق برساند. [۱۶] حق (حقیقت) در قرآن یکی از اسماء خداوند است. هرکس که "حق بین" و "حق جو" و "حق پرست" باشد لاجرم "خداپرست" است. حق جویی، زمانی که در بیان جلوه گر شود "صداقت" نام دارد. مخاطبان آثار هنری هم نوعاً به هنرمندانی گرایش دارند که در بیان آنها صداقت ببینند. رابطه مخاطب با هنرمند زمانی محکم ترمی شود که بیان حقیقت، در صادق‌ترین گونه ممکن جلوه گر شود.

حقیقت؛ در عالی‌ترین و تابناکترین سیمای خود در آینه قرآن شهود می‌شود و این کتاب برحق آسمانی در آیات گوناگون خود راه برهان، نقل و شهود را نشان داده است. راه شهود را در سوره مبارکه تکوین تبیین فرموده که: كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ^۱ و این هم اشاره به راه برهان است (علم الیقین)، هم اشاره به راه شهود است (عین الیقین).

قرآن افزون بر اینکه مشوق ما به جانب جهان بینی است می‌فرماید: أُولَئِكَ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ^۲ (آیا در ملکوت آسمانها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده است ننگریسته‌اند و اینکه شاید هنگام مرگشان نزدیک شده باشد. پس به کدام سخن بعد از قرآن ایمان می‌آورند؟)

این دعوت، همچون مقدمه ای برای "رؤیت" است. اگر رؤیت میسور نبود بی شک ما را به آن تشویق نمی‌کرد. همچنین قرآن، شاهدان را هم معرفی کرده است؛ آنجا که می‌گوید وَ كَذَلِكَ نُبْرِئُ

۱- التکوین / ۴ و ۵

۲- اعراف / ۱۸۰

إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ^۱ (و این گونه ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایانندیم تا از جمله یقین‌کنندگان باشد).

[ابراهیم] اهلِ رؤیت و شهود است. قرآن ما را هم به راه برهان دعوت کرده و هم به راه شهود فرا خوانده؛ و مدعی است که همه آنچه برای بشر لازم است رسول ما دیده است. نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ^۲ و نیز فرمود مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى^۳. آنچه مربوط به رسول است رؤیت و شهود است؛ نخست شهود کرده بعد آن را تبیین و به صورت معقول درآورده است.

در هنردینی؛ غایت، شهود حقیقتو ارائه آن به شکلی زیبا و متناسب با آرمانهای دینی است.

در تجربه‌های زیباشناختی و دینی عناصر بسیاری هستند که مشترک به نظر می‌آیند.^۴ هر دو جنبه‌هایی از درک و بیان حقیقت اند. شریعت، مانند شمعی است که راه می‌نماید. بی شمع به دست آوردن، امکان رفتن نیست. چون انسان به راه افتاد و به راه آمد طریقت، محقق می‌شود. البته هر رفتن به معنای رسیدن نیست. آنکس که به مقصود برسد به حقیقت رسیده است. هنر، گونه‌ای طریقت است که بی شریعت به غایت نمی‌رسد. "بصیرت یا شهود دینی، دریافتی مستقیم از حقیقت را فراهم می‌آورد که وابسته به الهام، نبوغ و دیگر استعدادهای خدادادی و پدید آورنده ساحت‌ها، اهداف و فعالیت‌هایی است که مبین ژرف بینی از حقیقت است"^۵. کسانی که به هنر از منظر مطالعات درون دینی نگریسته اند مأموریت ویژه‌ای را برای آن بر شمرده اند و اظهار داشته اند که "هنر دینی به دلیل

۱- انعام / ۷۵

۲- شعراء / ۱۹۴، ۱۹۳

۳- النجم / ۱۱

۴- کسی که تجربه‌های زیباشناختی و دینی دارد الزاماً به معنی آن نیست که هنرمند و متدین است.

۵- الیاده، فرهنگ و ادبیات، ترجمه ص ۲۴۹

وظیفه‌ای که مورد اهتمام قرار می‌دهد، هنر دینی تلقی می‌شود.^۱ در این ساحت، هنر با امر قدسی رابطه دارد. در هنر مقدس یا دینی، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد محتوای اثر هنری و نحوه به کار بردن آن است.^۲ به عبارتی هنر، امکانی برای تکلم انسان با ساحت قدس است "هنر، پیش از آنکه به حجاب آنانیت بشری برود دارای ابعاد آیینی و امکانی برای تکلم انسان با ساحت قدس بوده است."^۳ باین همه ادیان بیشتر به ابعاد محتوایی اثر هنری پرداخته اند چندان که "اسلام، گونه و فرم خاصی از هنر را سفارش نمی‌کند."^۴ به عبارت دیگر گفته اند که "شریعت اسلام صور و سبکهای خاصی از هنر را تجویز نمی‌کند بلکه قلمروهای تجلیات هنر را معین می‌سازد."^۵ هنری که گرفتار تمنای عرف است هرگز ژرف و بالنده و استوار نیست و بالعکس "ریشه دارترین هنرها، هنری است که سابقه و ریشه در دین داشته باشد. تلاش برای قراردادن هنر در خدمت شناخت ذات احدیت، مقدس‌ترین کوششی است که انسان از همان آغاز تاریخ از خود نشان داده است. مهمترین الزام دینی بودن پیمان فطری هنرمند با خداوند است. زیرا "اگر انسان بر فطرت و حقیقت خلقت خویش باقی بماند، هرچه از او به ظهور می‌رسد لامحاله دینی است."^۶ دین ملازم با تقدس و نجات بخش انسان است.[۱۷]" و هنر، در معنای اصیل آن، یک مقوله دینی است. "همچنین یک رسالت مافوق مادی و متعالی و صد در صد انسانی دارد."^۷ از منظر مؤمنان دینی "هنر الهی، پاکترین و طیب‌ترین

۱- حسین نصر، معرفت و معنویت، ترجمه انشالله رحمتی، ص ۴۲۴

۲- تیتوس بورکهارت، ارزشهای جاویدان هنر اسلامی، ترجمه حسین نصر، ص ۹۶

۳- محمد مددپور، حکمت معنوی و ساحت هنر، ص ۱۳۹

۴- غلامرضا جلالی، زیبایی شناسی در اندیشه فلسفی شهید مطهری، نشریه حوزه، دوره ۱۶، شماره ۱، فروردین و اردی بهشت ۱۳۷۸، ص ۳۳۰

۵- تیتوس بورکهارت، ارزشهای جاویدان هنر اسلامی، ترجمه حسین نصر، ص ۶۵

۶- مجید باقری، آوینی پاسخ می‌دهد، ص ۷۷

۷- علی شریعتی، هنر (مجموعه آثار ۳۲)، ص ۸

هنرهاست. هنری است که هنرمند با تکیه بر کشف و شهود می‌آفریند برای خدا؛ همان طور که زندگی می‌کند برای خدا.^۱

علی اکبر صادقی رشاد دیدگاههای مختلفی را که در باب هنر دینی وجود دارد به چهار گروه عمده تقسیم می‌کند^۲ برخی می‌گویند: هنری دینی است که دین آن را توصیه و سفارش کرده باشد. عده‌ای دیگر هنری را دینی می‌دانند که مقوله‌ای دینی را بیان می‌کند. برخی دیگر تصور می‌کنند که چون دین امری کهن است، هنر دینی به نوعی همان هنر سنتی است. استنباط دسته آخر از هنر دینی، هنر متدینان است^۳ یعنی هنری که خالق آن پیرو دین و مؤمن به دین باشد.^۴

برخی از متفکران به حسن ارتباط میان دین و هنراشارت دارند؛ از جمله اینکه^۵ "هنر اسلامی، بینشی و نمونه‌ای از رابطه میان هنر و دین به دست می‌دهد که در تاریخ هنر دینی یا هنر به طور کلی یگانه است."^۶ مثلاً صمیر صایغ از قول توفیق الحکیم (نمایشنامه نویس مشهور مصری) می‌نویسد "هنر و دین از یک مشکلات واحد نورافشانی می‌کنند؛ آتش افروخته والایی که دل آدمی را از آرامش و پاکی و ایمان لبریز می‌کند."^۷

در استعلاء و استقرار هنر دینی - و ناب‌ترین آن هنر اسلامی - تأسی نظری و عملی هنرمندان به سیره و تعالیم نبوی بسی قابل تأمل است. برخی از محققان بیان داشته اند که "حضرت نبی اکرم (ص) انسان کاملی است جامع جمال و جلال الهی و صاحب مقام ولایت که می‌توان او را به تعبیری هنرمندی خواند که هنرمندی‌اش نسبت بی واسطه با ذات احدیت و نیوشایی اسراری دارد

۱- اصغر فهیمی فر، از یونانیان تا کلاسیسم، ص ۲۲

۲- علی اکبر صادقی رشاد؛ "هنر و دین"، ص ۱۱۵ در کتاب (چیستی هنر تدوین سید عباس نبوی، تهران، مرکز پژوهشهای اسلامی نهاد ۱۳۷۸)

۳- صمیر صایغ، "هنر دینی، گواه یا پیام"، (در کتاب رمز و راز هنر دینی، گردآورنده: مهدی فیروزان، تهران، انتشارات سروش ۱۳۸۰) ص ۱۷۴

۴- محمد بخاری لوبیس؛ رابطه میان شعر و خوشنویسی، ۲۸۹